



حاکمیت قانون

حاکمیت قانون عبارت از تطبیق یکسان قانون جهت ایجاد نظم و رعایت حقوق افراد جامعه میباشد. مکلفیت دولت است تا جهت رعایت حقوق افراد در بخشهای مختلف حقوقی و سیاسی وظایف خویش را انجام دهد.

تحقق قانون از وظایف دولت میباشد. دانشمندان بخشهای فلسفی، حقوقی و سیاسی در زمینه نظریات مختلف دارند. بدلیل اینکه در اکثر کشورهای شرقی دین و مذهب نقش عمده در تحقق حاکمیت قانون دارد وحتا بعضا در تقابل قرار میگیرد، بعضا دین و مذهب مانع تحقق بعضی آزادیها اتباع کشورهای متذکره گردیده و میگردد. دولتمردان باید در جهت تحقق قانون، بخصوص قانون اساسی توجه نموده و در رعایت حقوق اتباع عمل نمایند. حاکمیت قانون یعنی موجودیت نظم و قانون در کشور. وقتی افراد جامعه در تحقق قانون مشترکا عمل نمایند، در جامعه قانونیت حاکم میگردد. در حاکمیت قانون هیچ فردی بشمول شاه و یا رهیس جمهور بالاتر از قانون نمیباشد. جهت تحقق حاکمیت قانون، اراده تطبیق قانون و کادرهای مسلکی ضرور است. همچنان ارگان قضایی با داشتن کادرهای مسلکی و داشتن صلاحیت قانونی بشکل مستقل در جهت تطبیق قانون عمل نماید. در صورت تخلف مقامات حکومتی و رهبران عالی رتبه دولتی باید طبق قانون مورد موخذه قرار گیرند. یکی از مطالب عمده که مورد مطالعات رشته های فلسفه، حقوق، سیاست، اقتصاد، تاریخ و جامعه شناسی قرار گرفته است، حاکمیت قانون میباشد.

حاکمیت قانون را حقوقدانان یکی از مبانی حقوق دانسته و معتقدند که در جهت تحقق آن باید اقدامات جدی صورت گیرد و اقتصاددانان نیز حاکمیت قانون را جهت رشد اقتصادی جامعه حتمی و ضروری میدانند. به همین شکل دانشمندان سایر رشته ها . در برداشت از حاکمیت قانون، مفهوم حاکمیت قانون در پرتو نظریات مختلف، به ویژه در بخش آزادی و عدالت، مورد ارزیابی قرار گرفته و میگیرد.

دربحث حاکمیت قانون طرفداران برداشت شکلی از حاکمیت قانون، ویژگیهای قانون را از نگاه عام بودن، انتشار، توجه به واضح بودن آن که اهمیتی خاص دارد، ضروری میدانند. در این برداشت اولاً ایده حاکمیت قانون مستقل از ایده دموکراسی تعریف میشود، ثانیاً اصل محوری حاکمیت قانون «برابری در مقابل قانون» و ثالثاً عام بودن قانون یکی از اساسات حاکمیت قانون تلقی می شود. لذا با استفاده از حقوق و قواعد حقوقی نظم را در جامعه برقرار ساخت، تا حاکمیت قانون تحقق یابد.

اکثر علمای دینی قانون را فرمان الهی میدانند و برای بشر استعداد قانونگذاری راقائل نیستند.

حاکمیت قانون از نظر روسو و منتسکیو: معتقد اند که براراده عمومی استوار بوده و بر آزادی فرد مقدم میباشد.

انقلاب کبیر فرانسه نقش اساسی در حاکمیت قانون داشت. و تصریح نمودند که در فرانسه اقتداری فراتر از قانون وجود ندارد، که می توان آن را اینگونه بیان نمود که قانون، فرد را در قبال اعمال شان حمایت میکند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوق شهروندی را بطور خاص (ملت) رابعنوان منشاء قدرت سیاسی دانست .

حمایت از حقوق و آزادی شهروندان در مقابل خودسری زمامداران که به حاکمیت قانون ارتباط دارد و در نهایت میتوان گفت که یکی از شاخص های اصلی نظام دموکراتیک ، حاکمیت قانون میباشد.

در کتاب «حاکمیت قانون...» اثر فیلسوف و اقتصاددان شهیر «هایک» که اندیشه موصوف پیوند عمیق به نظریه فلسفی، حقوقی، اقتصادی و سیاسی دارد.

تاریخچه حاکمیت قانون فلسفه سیاسی و اقتصادی (هایک) را به نام فلسفه آزادی گویند. هدف از آزادی عمدتاً آزادی سیاسی و مدنی فرد است. موصوف آزادی را هدف عالی سیاست میدانند.

از نظر هایک آزادی شرط ضروری برای تحقق نظم و تکامل در جامعه میباشد. هایک دموکراسی و آزادی را یکی از خصایل نظم خود جوش در جامعه مدنی میدانند. لذا افراد باید دسترسی برابر به آزادی داشته باشند که توسط قواعد قانونی تضمین میشود. از نظر هایک حکومت قانون به این معنی است که مسولین حکومت مانند هر فرد جامعه خود را تابع قوانین و قواعد قابل تنفیذ جامعه بدانند و رفتار عادلانه نمایند.

شکلر در مقاله «نظریه سیاسی و حاکمیت قانون»، سابقه تاریخی حاکمیت قانون را از زمان ارسطو میدانند. بدین ترتیب، حاکمیت قانون منشعب از زمان عهد باستان است.

در برخی نظرات سیاسی حاکمان بالاتراز قانون قرارداداشتند چنانچه افلاطون، فلاسفه را در شهر فرضی خود بالاتراز قانون میدانست .

در بخش دیگری از کتاب، مولف به بیان مسائل مختلفی پرداخته که در قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضائیه در ارتباط با حاکمیت قانون اصل توجه در زمینه اعمال حاکمیت قانون در قوای مقننه و قضائیه است. از نظر تاریخی، با گسترش آموزه های دموکراسی همواره خوشبینی و اطمینان خاطر نسبت به قوه مقننه به نظر میخورد. بدین ترتیب که اعضای قوه مقننه منتخب مردم و طبعاً نماینده و امین مردم اند. اقدامات این نمایندگان در جهت خواسته های رای دهنده گان است ، بدین ترتیب قوانین و مصوبات آنان نیز مطابق با اصول قابل احترام برای همگان باشد.

محدودیت اختیارات قوه مقننه در قانونگذاری هم قابل توجه است که اصل حاکمیت قانون نیز به آن توجه دارد. از جمله آزادی و احترام به حقوق بنیادین، چنانچه «هایک» نیز معتقد است که نمیتوان هر آنچه که به وسیله پارلمان وضع شود، «قانون» خواند، بلکه قانون باید دارای ویژه گیها از قبیل عام بودن باشد که ضامن اعمال حاکمیت قانون بر پارلمان محسوب میشود. بدین اساس نمیتوان هر مصوبه را که نمایندگان منتخب به تصویب برسانند و به سود یا زیان گروه های خاصی باشد و... قانون نامید. بنابراین قانون بعنوان تضمین بر عدم نقض اصل حاکمیت قانون توسط قانونگذار واجد اهمیت دانسته میشود

سوال چگونه اعمال حاکمیت قانون در قوه مقننه (و دیگر ارکان حکومت) تضمین می شود. این اصل مهم در نظامهای سیاسی بر عهده قوه قضائیه میباشد. که خود باید از مجموعه ویژگیها برای تضمین این کارکرد در نظامهای سیاسی برخوردار باشد.

از جمله استقلال قضات و محاکم که در قالب اصل (استقلال قضایی) .

اصل دیگری که در بخش قوه قضائیه و حاکمیت قانون مهم است، نقش کنترل قضایی در برقراری حاکمیت قانون است. کنترل قضایی به معنای کنترل مصوبات قوه مقننه، در اعمال و مصوبات قوه مجریه به وسیله محاکم. نظامهای حقوقی - سیاسی که این صلاحیت مهم را برای محاکم به رسمیت شناخته اند، باید از معیارهایی که از صلاحیتهای مبتنی بر حاکمیت قانون شمرده میشوند، برخوردار باشند. در غیر آن صورت امکان دارد که دادگاه ها به نهادی ضد حاکمیت قانون تبدیل گردند .

«حاکمیت قانون...»، توضیح است بر نتایج سه گانه حقوقی، سیاسی و اقتصادی . حاکمیت قانون را میتوان در سه بخش فراهم شدن زمینه رقابت برابری اقتصادی، مدیریت مالی شفاف (به ویژه در زمینه بودجه) و عملکردهای موثر و سایر عملکردهای نظارتی و کنترل در امور مالی و کاهش فساد خلاصه کرد.

زمینه های خوب برای فعالیت اقتصادی به نحو مساوی برای همگان تنها از طریق تحقق حاکمیت قانون میسر است «ارائه اطلاعات یا جانبداری و تخصیص منابع به افراد یا گروه

های خاص، مغایر با حاکمیت قانون» شمرده میشود. همچنین یکی از مهمترین مطالب برای نظام مناسب جامعه، موجودیت حاکمیت قانون است .

فوقاً متذکر شدم که جهت تحقق حاکمیت قانون بر علاوه موجودیت قانون اساسی و قوانین دیگر، اراده تصمیم تطبیق قانون توسط رهبری وارگانهای زیربط ، موجودیت کادرهای مسلکی در اورگانهای (کشف و تحقیق، خرنوالی، قضا و سایر ارگانهای زیربط) که بالای همه متخلفین قانون یکسان تطبیق گردد، میباشد.

بالاحترام

عبدالواسع غفاری